

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

چند نکته درباره‌ی جواز یا عدم جواز پیشگویی

کلیدواژگان: پیشگویی، قطعیت، آینده، نجوم، اراده‌ی حق، حوادث، مقدرات، بداء، مشیت، اختیار انسان، علم انبیاء و امامان علیهم‌السلام.

پیشگویی کردن نوعی جزمیت و قطعیت در حوادث آینده را در دل خود دارد؛ چون اگر حوادث آینده محتمل باشد دیگر نمی‌شود به‌طور قطعی گفت که فلان حادثه در آینده اتفاق می‌افتد. وقتی این حرف را می‌شود زد که حوادث به‌شکل جزمی از پیش تعیین شده باشد و من بر آنها واقف شده باشم. این جزمیت از یک‌طرف مغایر بحث اختیار انسان است و از طرف دیگر مغایر بحث اراده‌ی مطلق حق متعال است. مطابق روایت، امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: ^۱ اگر این آیه در قرآن نبود، من ریز حوادث را تا قیامت برایتان می‌گفتم؛ ولی این آیه در قرآن وجود دارد که **يَمْخُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ**: ^۲ خدا آنچه را بخواهد و مشیتش تعلق بگیرد، محو می‌کند و آنچه مشیتش تعلق گیرد، ثبت می‌کند و ام‌الکتاب نزد خودش است. یعنی خدا اراده‌اش محدود نشده به مقدراتی که از پیش داشته؛ هر لحظه می‌تواند وارد چرخه‌ی حوادث شود و حادثه‌ای را که از پیش برنامه‌ریزی نشده، اراده کند تا واقع شود، و این امر مهمی است. ما در اعتقاداتمان بداء را داریم؛ حالا بعضی‌ها تعبیر کردند که بداء به‌معنای آشکار شدن

۱. صدوق، توحید، ص ۳۰۵؛ طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۲۵۸ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۴، ص ۹۷: **لَوْ لَا آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَأَخْبَرْتُكُمْ**

بِمَا كَانَتْ وَ بِمَا يَكُونُ وَ بِمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ هِيَ هَذِهِ الْآيَةُ يَمْخُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ.

۲. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۳۹.

چیزی است که وجود داشته و مخفی بوده است؛ در حالی که خیر! بداء یعنی ابتدائاً خدا چیزی را اراده کند و خدا چنین اراده‌ای را در موارد متعددی در عالم به کار بسته است. در همین ماجراهای انبیاء و امامت ائمه علیهم‌السلام، در بحث ذبح اسماعیل نبی علیه‌السلام حدیث داریم که خدا بداء نکرد آن‌گونه که در مورد اسماعیل بداء کرد؛^۳ یا بداء نکرد آن‌گونه که در مورد اسماعیل بن جعفر بن محمد علیه‌السلام بداء کرد؛^۴ یعنی پسر امام صادق علیه‌السلام که خدا بداء کرد و اراده کرد که امامت بعد از امام صادق علیه‌السلام به امام کاظم علیه‌السلام برسد، و اسماعیل از دنیا برود.

پس اگر ما به آن پیشگویی دقیق و قطعی قائل شویم، مستلزم این است که از یک طرف، هم این اراده‌ی مطلق حق را محدود کنیم و امر بداء را که جزو باورهای اساسی توحیدی است انکار کنیم و از سوی دیگر، انسان‌ها را هم به وادی جبر و عقیده‌ی جبر بکشانیم که خودش پیامدهای مختلفی دارد؛ پس این یک نکته. اما نکته‌ی دوم، ببینید اصل اینکه ستارگان جایگاهشان تأثیراتی در امور عالم دارد یقینی است؛ بنابه روایات^۵ و آیات^۶ اینها یقینی هستند و شاهد قرآنی هم داریم. در ماجرای حضرت ابراهیم علیه‌السلام وقتی مشرکان گفتند که بیاید با هم به جشنی برویم که بیرون شهر برگزار می‌شود، قرآن می‌فرماید: **فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ**^۷؛ نگاهی به ستارگان کرد و گفت: من حالم خوش نیست! بیمارم! اینجا شاید یکی از معانی این است که آنها به کهانت معتقد بودند و حضرت توریه کرد و به شکل آنها گفت که من چنین دریافتی دارم؛ ولی یک معنایش هم این است که نه واقعاً ستارگان آثاری دارند. در

۳. صدوق، توحید، ص ۳۳۶؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴، ص ۱۰۹ و عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۲۰.

۴. صدوق، توحید، ص ۳۳۶ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۴، ص ۱۰۹.

۵. به‌عنوان مثال: قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۸۸؛ ابن‌شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۲۶۵ و فیض کاشانی، وافی، ج ۱۲، ص ۳۵۵.

۶. به‌عنوان مثال: سوره‌ی واقعه، آیه‌ی ۷۵؛ سوره‌ی تکویر، آیات ۱۵ و ۱۶ و سوره‌ی طارق، آیه‌ی ۱.

۷. سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۸۸.

روایات هم داریم که آثاری دارند؛ مثل همین موضوع قمر در عقرب.^۸ اما اطلاعات لازم برای اینکه ما یک نتیجه‌گیری درست از این امر کنیم در دسترس ما نیست. ناقصش سودی نمی‌بخشد؛ کاملش هم در دسترس نیست. بنابراین توصیه کردند که بیخود خودتان را مشغول این کار نکنید.^۹ مواردی که مسلم و قطعی است، انسان آنها را مراعات می‌کند و احتیاط می‌کند؛ ولی اینکه بخواهد همه‌ی تصمیم‌گیری‌های زندگیش را تابع اینها کند، چیز درستی نیست و خلاف مشی‌بی است که ائمه علیهم‌السلام به ما توصیه کردند. ضمن اینکه عرض کردم عقیده به پیشگویی‌ها، بحث اختیار آزاد انسان را نفی می‌کند و طبیعتاً همه‌چیز را رخداده [و تمام‌شده] می‌داند. برای مثال، بعضاً بزرگانی که واقعاً بزرگ و بسیار عظیم‌القدر بودند، پیش‌بینی‌هایی در مورد زمان ظهور کردند و بعد دیدیم که واقع نشد! آنها کاهن نبودند؛ آنها بر اساس قرائن و شواهدی که از راه باطن به آن رسیده بودند، خبر دادند که مثلاً ظهور قبل از اینکه ما از دنیا برویم، واقع می‌شود. ولی آنها از دنیا رفتند و ظهور واقع نشد! این همان بحث اراده‌ی مطلق خداست که فوق چرخه‌ی عادی است. آنها به چرخه‌ی عادی حوادث مشرف می‌شوند و می‌بینند که این چرخه در فلان زمان به ظهور منتهی می‌شود؛ اما آن اراده‌ی مطلق خدا وارد چرخه می‌شود و این روند را تغییر می‌دهد؛ اینها آن را نمی‌دانند! لذا امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: اگر این آیه در قرآن نبود که خدا وارد چرخه می‌شود و همه‌چیز را به هم می‌زند، من تا روز قیامت جزء به جزء حوادث را می‌گفتم که چه هست و چه اتفاق می‌افتد؛ این نکته را بدانیم که حتی انبیاء هم همگی آن اشراف کامل را ندارند؛ غیر از اینکه بداء هم سر جایش است؛ ولی اشراف کامل را هم ندارند. همان‌طور که در روایت بیان کردند، تا آنجایی که خداوند اراده کند آنها می‌دانند.^{۱۰} سعدی نقل می‌کند که از یعقوب علیه‌السلام پرسیدند:

۸. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۷۵؛ برقی، محاسن، ج ۲، ص ۳۴۷ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۸

۹. سیدرضی، نهج‌البلاغه (صبحی صالح)، ص ۱۰۵؛ طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۲۴۰ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۳۶۲.

۱۰. صفار، بصائرالدرجات، ج ۱، ص ۵۱۳؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۵۶ و صدوق، خصال، ج ۲، ص ۵۲۸.

ز مصرش بوی پیراهن شنیدی چه شد در چاه کنعانش ندیدی؟! چه شد در چاه کنعانش ندیدی؟!

دیدید که حضرت یوسف علیه السلام پیراهنش را به برادرانش داد. قافله از مصر که حرکت کرد حضرت یعقوب علیه السلام در کنعان گفت: **إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْ لَا أَن تَفَنِّدُونِ!**^{۱۱} خب این همه راه تا مصر بود! اما حضرت یوسف علیه السلام را در همان چاه کنعان انداختند و حضرت یعقوب علیه السلام این را ندید! پرسیدند که چه شد؟

بگفت احوال ما برق جهان است دمی پیدا و دیگر دم ز جهان است

گاهی بر طارم اعلانش — یینیم گهی بر پشت پای خود نبینیم

دقت می کنید! یعنی تا همان محدوده‌ای از اطلاعات را می دانند که خدا اجازه می دهد بر آن واقف شوند. حالا در مورد ائمه علیهم السلام بحث دیگری داریم و آن اینکه کلیه‌ی اطلاعات در دسترس ایشان هست؛ ولی اگر توجه کنند، می بینند. اگر توجهی نکنند، از آن اطلاعی ندارند.^{۱۲} مثل دفتر تلفنی که شماره تلفن همه در آن است، در اختیار شما هم هست، اما هر وقت مراجعه کنید شماره تلفن افراد را می بینید؛ هم در دسترستان هست و هم در لحظه همه‌ی شماره‌ها در ذهنتان نیست. اینها نکات ظریفی است که در بحث علم ائمه علیهم السلام اشاره کرده‌ایم؛ در مبحث فایل‌هایش را ببینید؛^{۱۳} اشاراتی در این زمینه‌ها خدمتتان کرده‌ایم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۱۱. سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۹۴.

۱۲. کلینی، جلد ۱، ص ۲۵۷؛ مفید، اختصاص، ص ۲۸۶ و مجلسی، محمدباقر، مرآة‌العقول، ج ۳، ص ۱۱۷.

۱۳. سایت اهل‌ولاء، مباحث اعتقادی، زیرمنوی امامت و ولایت.